

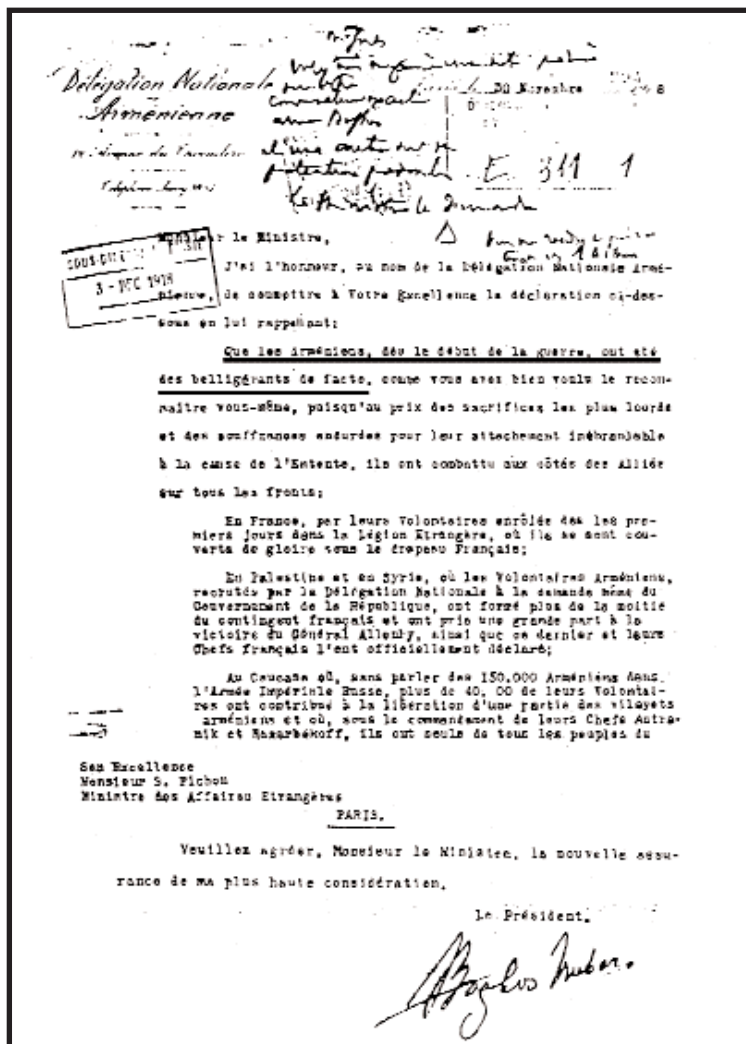
اسناد



© اریک فایگل
prof.erich.feigl@chello.at
www.monarchie.at

"کسی که گذشته را از نظر دور نمیدارد، امروز را هم در تحت نظارت دارد. آینده از آن کسی است که گذشته را زیر نظارت دارد".
جورج اورویل "۱۹۸۴"

میغومانی (مالیخو لیا) از نظر مرض شناسی یک نوع بیماری روانی است که، با دروغ وابستگی ارگانیک دارد. با توجه به افترا و تهمت های ارامنه در طول بیش از یک قرن، با گذشت ۹۰ سال از افسانه ساختگی قتل عام ارامنه بدست ترکها، اکنون زمان آن رسیده است که، جلوی این چرندیات کینه توزانه با اسناد و مدارک انکارناپذیری گرفته شود. آنها به اسناد زیر مدعی اند که، «ملت جنگ کننده ای» هستند.



"جناب وزیر! مفتخرم که از طرف هیئت نمایندگی ملی ارمنی موارد ذیل را به عرض حضرت عالی برسانم:

همانطوری که اطلاع دارید، ارامنه از ابتدای جنگ عملاً یکی از طرفهای درگیر جنگ بوده اند، شما خودتان اعتراف کرده اید که ارامنه بعلت صداقت شکست ناپذیر خود به امور آتنا تلفات عظیمی داده و متحمل رنجها شده اند. آنها در تمام جبهه ها در کنار متحدین جنگیده اند:

آنها در فرانسه از روزهای نخستین داوطلبانه وارد لژیون خارجی گردیده و زیر پرچم فرانسه به افتخاراتی نایل شده اند. در فلسطین و سوریه بنابر تقاضای دولت جمهوری از طرف هیئت نمایندگی ملی داوطلبان ارمنی بسیج شده و نیروی بزرگی از نیروهای فرانسه را تشکیل داده و در پیروزیهای ژنرال آلان بی نقش مهمی را ایفاء نموده، وی و فرماندهان فرانسوی آنها در این باره بیانات رسمی داده اند:

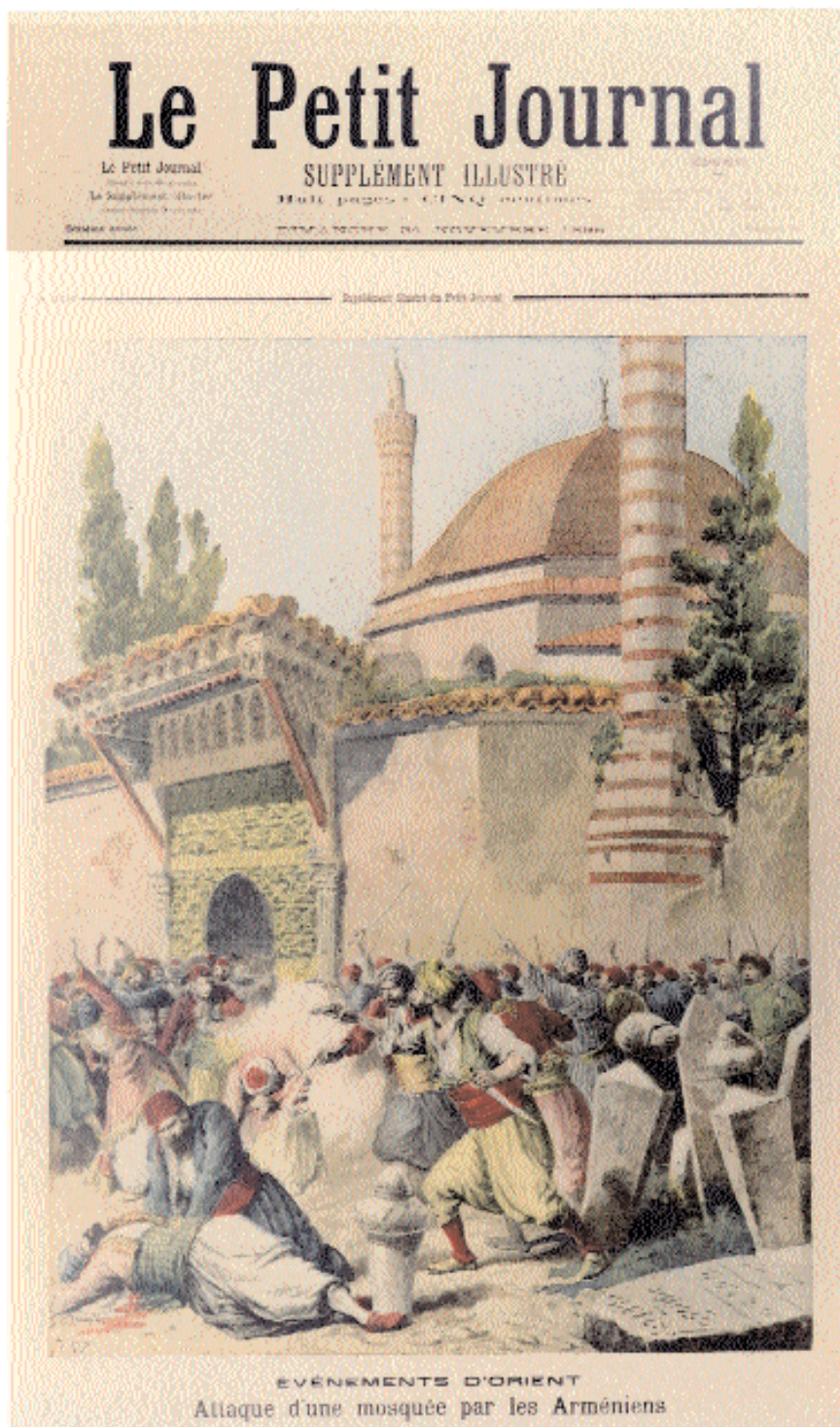
علاوه بر ۱۵۰،۰۰۰ هزار نفر ارمنی که در جمع نیروهای امپراطوری روسیه در قفقاز میجنگند، ۴۰،۰۰۰ هزار نفر داوطلب در آزادسازی قسمتی از ولایات ارمنی شرکت نموده و فقط

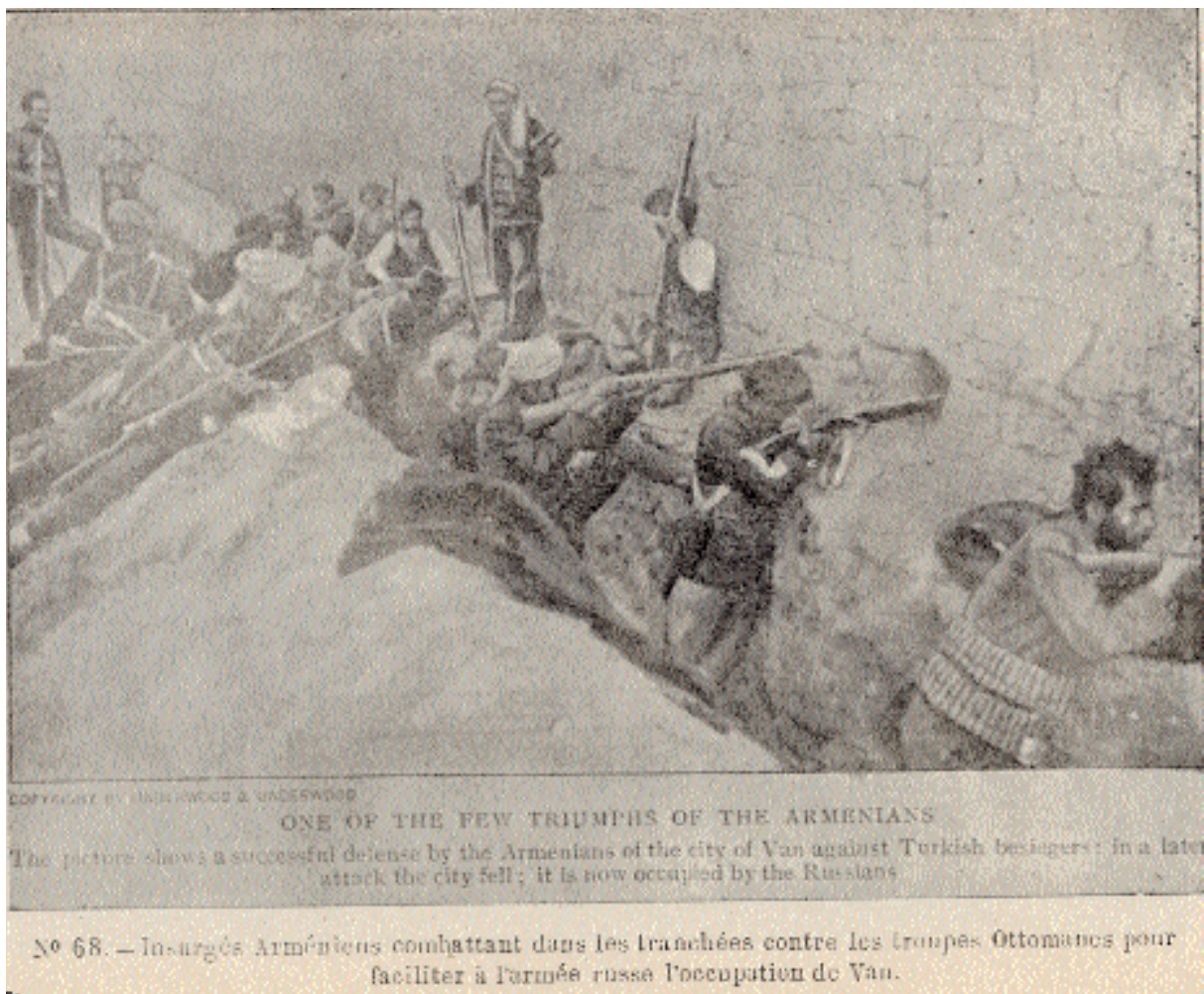
آنها بین ملت های قفقاز به فرماندهی آندرانیک ونظر بیکوف از آغاز عقب نشینی بلشویکها تا انعقاد معاهده صلح در مقابل نیروهای ترک ایستادگی نشان داده اند"

به حضرتعالی
جناب س. پیشون
وزیر امور خارجه

جناب وزیر اجازه بدهید یکبار دیگر احترام خود را بشما ابراز نمایم.
از: صدر بوگوش نوبار

اینک یک و نیم قرن است که، بنیادگران ارمنی دنیا را گریانگیر تروریسم کرده اند. این ترور با خود سری های آشوبگران ارمنی در امپراطوری عثمانی و پخش اطلاعات دروغین در جامعه جهانی توسط آشوبگران پروتستان و گریگوری، همچنین از سوی اعضای سازمانهای سیاسی آنها (داشناک ها، قنچاکیست ها...) آغاز شده است. از بیم تروریسم ارمنی تنها افراد معدودی جرئت بیان واقعیات را داشته و این اوضاع تا امروز نیز ادامه دارد. در آن دوره مارک سایکس نویسنده اثر بزرگ "دارالاسلام" یکی از افشاگران دروغپردازی ارامنه بوده و با شهادت اوضاع واقعی را در "مجله له په تیت" (LE PETIT) نوشته است.

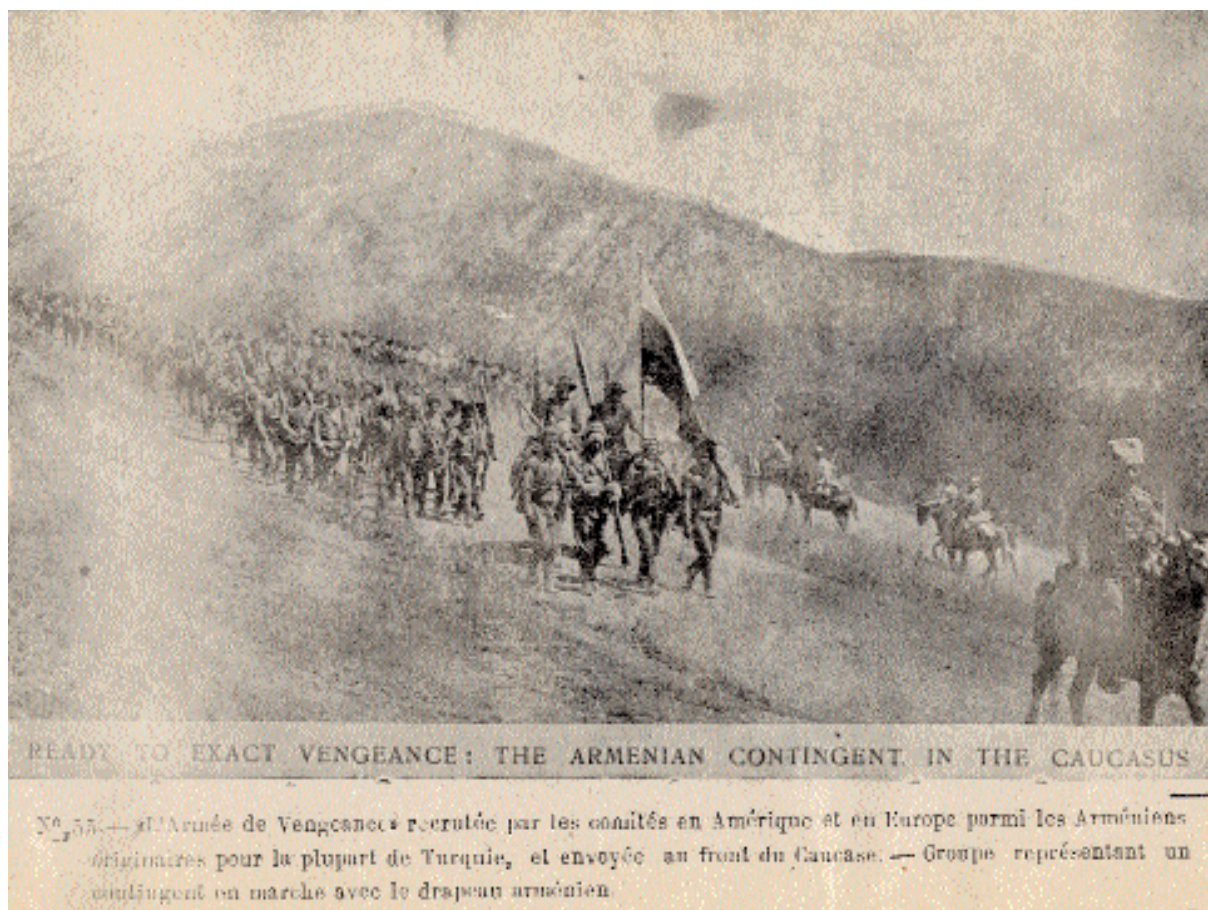




با آغاز جنگ در سال ۱۹۱۴، اوضاع باز هم شکل فاجعه بارتری به خود گرفت. ارامنه آگاهانه در پشت جبهه امپراطوری عثمانی به قتل عام پرداختند. در این دوره در فرانسه، روسیه و برخی کشورهای دیگر بر علیه ترکیه که به جنگ در جبهه پنج ها کشیده شده بود، اتحادیه های قدرتمند ارمنی تشکیل شد که، " عملاً همچون ملت جنگ کننده" جنگ مکارانه و بی امانی را بر علیه ترکیه، کشوری که خود قریب هزار سال در آن زندگی کرده و از آن سود می بردند، آغاز کردند. نامه ارسالی بوگوش نوبار، یکی از رهبران ارامنه به وزارت امور خارجه فرانسه در سال ۱۹۱۸ در پاریس (سند مذکور فوق) مدرک انکار ناپذیری دال بر اوضاع واقعی است. **آنها می جنگیدند.**



این تصویر (بهار ۱۹۱۵) پارتیزانهای مسلح ارمنی را که توسط روسها مجهز به توپخانه شده بودند برای تسهیل اشغال وان توسط روسها و گشودن جبهه دوم در پشت جبهه عثمانی ها را نشان میدهد.



"Underwood & Underwood" یکی از آژانسهای پر نفوذ ایالات متحده آمریکا در آن دوره بود. عکسهای آن در تمام دنیا انتشار می یافت و معتبرترین سند بحساب می آمد. ارامنه در ماه های فوریه و مارس به شورش پرداختند. عکس های بسیار زیادی در مطبوعات آمریکا و انگلیس منتشر می شد که، نشان دهنده واقعیت حمله به وان از پشت عثمانی ها را تحت شعارهای "ما آماده قصاصیم"، "نظامیان ارمنی در قفقاز" می باشد. سوال اینجا ست: "قصاص" چه؟ قصاص احراز مقام های مهم، در دست داشتن تمام کارهای ساختمانی و مالی، قصاص بدست گرفتن همه درآمدهای اقتصادی و یا آزادی کامل دینی را، بخاطر در اختیار داشتن گران ترین مدارس و یا بهره مندی خود از امتیازات بی شمار قصاص می گرفتند؟

تصویر مآخوذ از
"ارمنستان جوان"، ۲۰ ژوئیه
۱۹۱۵، دسته های داوطلب
قنچاک را نشان می دهد.



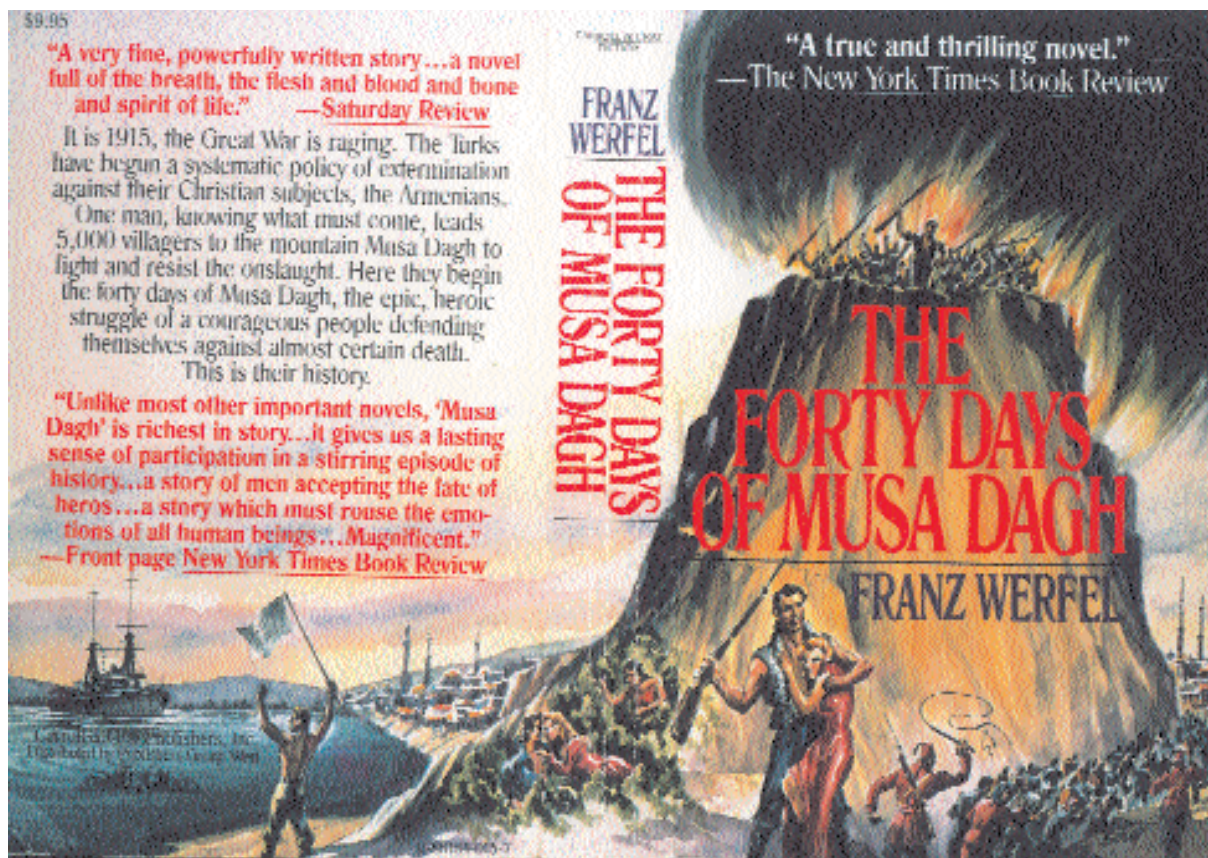


بنای یاد بود سوده در نزدیکی وان، زمین خاکی پشت ستون سنگی یادواره ۶۰۰۰ کشته مسلمان، ترک و کرد طی مدت کوتاهی بدست شبه نظامیان ارمنی، بیانگر خودسری های آنها می باشد. در تمام شرق ترکیه جایی نیست که مجموعه یاد بودی از بهار فاجعه بار سال ۱۹۱۵ به یاد کشتار انسانهای بی گناه و بی دفاع به دست ارامنه، بنا نشده باشد.

کتاب "قتل عام ارامنه در برابر تاریخ. محاکمه طلعت پاشا" خواننده را از واقعیات دور ساخته و نمونه تیپیک دروغپردازی و محصول استادانه کارگاه دروغ و تحریف است. در روی جلد کتاب، عکس طلعت پاشا که توسط ارامنه در برلین ترور شد و مجموعه ای از استخوان جمجمه، بیاد قربانیان حوادث ۱۹۱۵ چاپ و طراحی شده است.

اهداف از پیش تعیین شده بهتان و دروغ سر گرفت. در حالیکه واقعیت امر بر سر مسئله جنگ پروس و فرانسه اختصاص یافته و صحبت عکسی در میان است که، در سال ۱۸۷۱ توسط واسیلی واشی گین با عنوان "مداح جنگ" (گالری ترتیا کوف، مسکو) رسم شده است.





کتاب رمان "چهل روز در موسی داغی (کوه موسی) تصویر روشنی از آغاز حمله پیروزمندانه خود در تمام دنیا را از مدتها پیش و "ترکهای منفور" ارائه می دهد. اما نویسنده این کتاب، فرانس ورفیل، شاعر بزرگ اطریشی بیتقصیر است. وی قربانی باندهای کلاه بردار وحیه گر ارمنی شده است که، اسناد و مدارک ساختگی در اختیار وی گذاشته شده است.

رهبران پشت پرده این دروغ و فریب کاری را که، تا کنون در سراسر جهان ادامه دارد، در دنباله نوشته خواهید شناخت: تمام کتاب را آرام آندونیان با اسناد ساختگی، یعنی فرمان های قتل که گویا از طرف ترکهای جوان صادره شده است و همچنین پاستور یوهانس که همین اواخر پرده حيله گریها و مکاریهای وی فرو افتاد و مورگن تائو منشی سفیر سابق آمریکا آراسته اند. بخصوص اینکه، مورگن تاتو به شخصیت های معتبر ارمنی و همتایان آنها کور کورانه اعتماد داشت و ما نیز امیدواریم که، اعتماد وی واقعا کورکورانه بوده است. در غیر اینصورت می تواند یکی از مقصرین واقعی تروریسم ارمنی باشد.

رمان ورفیل هر قدر هم جالب باشد، هیچ ارتباطی با واقعیت ندارد. "داستان جالب و واقعی؟". بلی، "جالب" است، اما، واقعی نیست!

امروزه کتاب "چهل روز" در آمریکا و خطه های انگلیسی زبان مانند کتابی بزهکاری، جنائی و پلیسی با تیراژ بالائی بفروش میرسد. همچون کتابی در هر کجا خواننده خود را دارد. اما مشکل است که، خوانندگان بدانند که، اسناد مهم بیانگر اشتباهات ورفیل را مخفیانه در چاپهای بعدی کتاب پاک و حذف میگردد. برای نمونه میتوان واقعه ای را در باره قیام وان خاطر نشان کرد که، شامل کتاب منتشره به زبان فرانسه نیز میباشد. مافیایی که پشتیبان حذف دستکاری در نشرهای جدید این کتاب میباشد بخوبی میداند که این اهداف به چه منظور صورت می پذیرد.

تصحیح اشتباهات روی جلد کتاب که برای تا ثیر ظاهری در نظر گرفته شده است چندان هم دشوار نیست.

۱- کوه موسی (موسی داغی) مولود آتشفشان نبوده، بلکه، یادآور منظره کوهی باسینه کش آرام و راست می باشد. نه در اینجا و در هیچ جای دیگر امپراطوری عثمانی هیچ کس مهاجرین را تحت فشار و اذیت قرار نداده بود و چنین اقداماتی طبق قوانین ترکها بشدت مجازات می شد. حادثه مربوط به طلب استمداد شورشیان گویا با بلندکردن ملافه های سفید موضوع مضحکی است "عیسویان در فلاکت". زیرا رزمناو و کشتی های حمل نقل نیروی دریایی فرانسه برای رساندن محموله های گرانبه قیمت خود به محلی امن، مدت ها پیش از ساحل فاصله گرفته بودند. در اینجا صحبت هزاران مبارز بالقوه هوادار طرفدار جبهه سوبیش در میان است.

۲- سیر بعدی حوادث چنین بود: "قهرمانان" کوه موسی (موسی داغی) در پایگاه های انگلیس و فرانسه در خاک قبرس و مصر آموزش نظامی می دیدند. برای شرکت در جنگها، در مدت کوتاهی به سوریه منتقل شدند ولی، با توجه به سوء استفاده بیش از حد از صلاحیت های اعطایی دولتهای آتانت، خیلی زود از خدمت آنها خودداری شد. همین وضع در جبهه روسیه نیز روی داد و بدین جهت هم فرماندهان تزاری رفته-رفته از آنها دوری گزیدند.

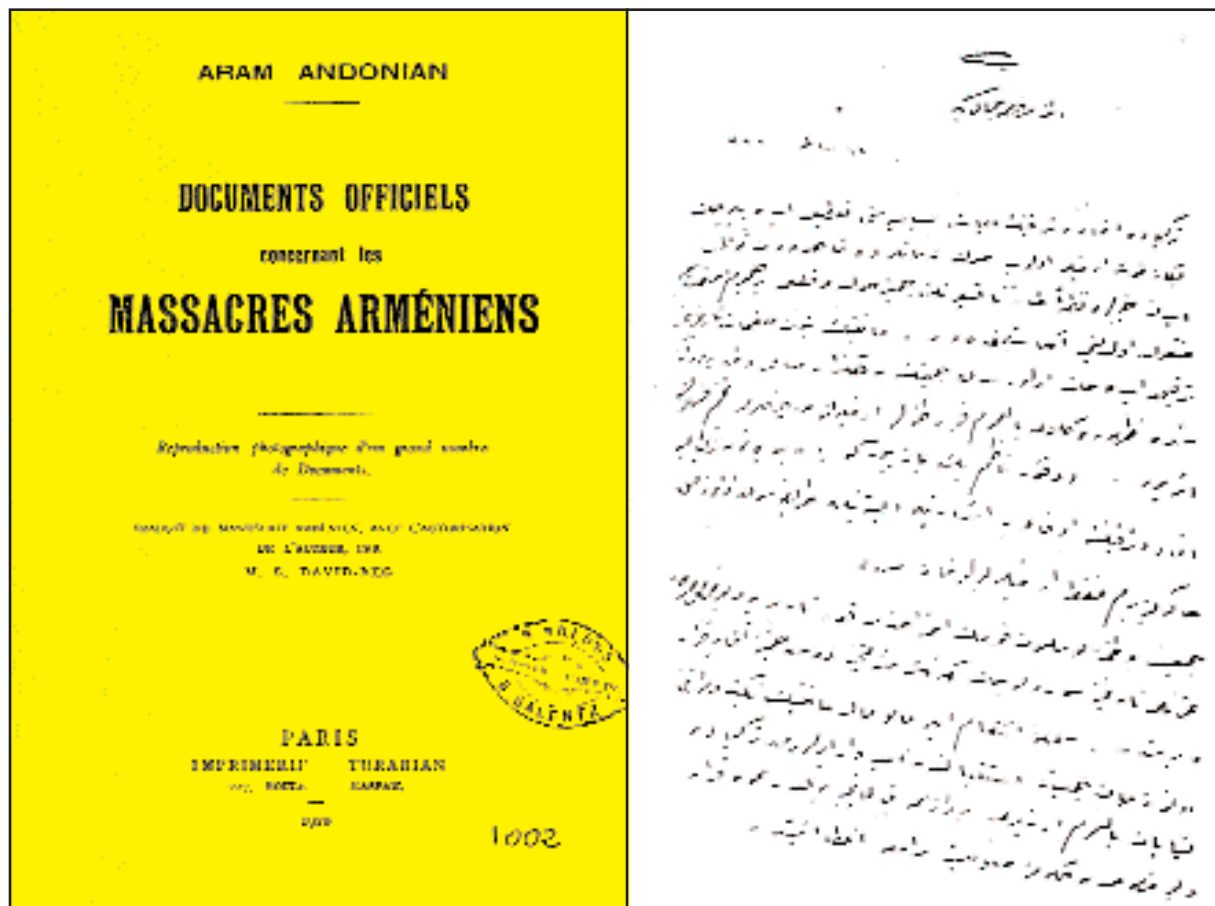


در موزه تاریخ پاریس عکسهایی مربوط به آموزش نظامی فرانسوی ها و انگلیسی ها به "فدائیان کوه موسی" برای جلب آنها به میادین جنگ موجود است. دست اندرکاران مکار ارمنی که بطور سیستماتیک آرشیوها را از اسناد نامطلوب "پاک سازی" می کنند، این تصاویر را فراموش کرده اند.

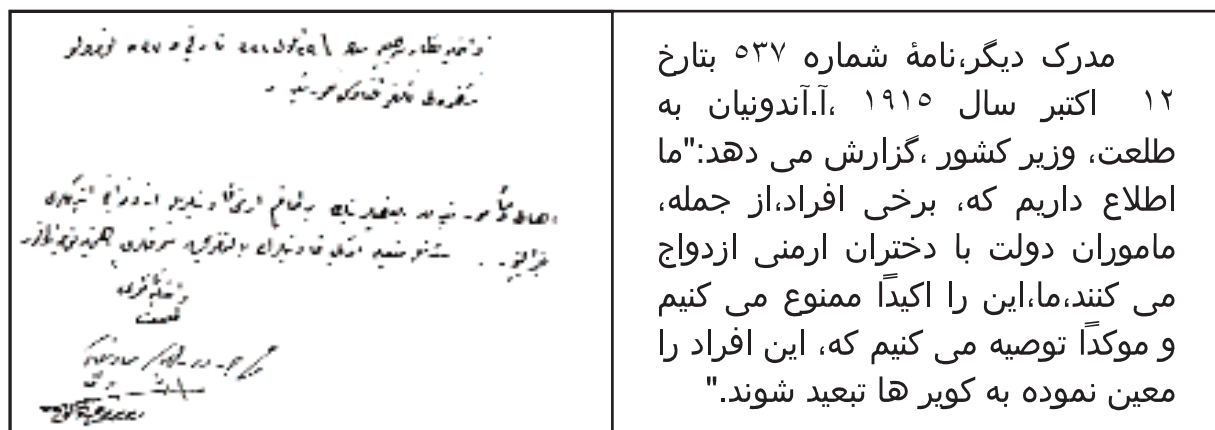


در این عکس رزمناو دسایکس نیز دیده می شود که در آن دوره در آبهای بین سوریه و آناتولی، ضعیف ترین نقطه امپراطوری عثمانی، کشتی فرماندهی نیروهای دریایی بود. هدف ارمنی ها در اینجا نیز، ایجاد شکاف از پشت جبهه عثمانی برای تسهیل حملات نیروهای آنتانت بود. در اینجا کشتی ها را نه با ملافه های سفید، بلکه، با سیستم های رادیویی پیشرفته آندوره مطلع می ساختند.

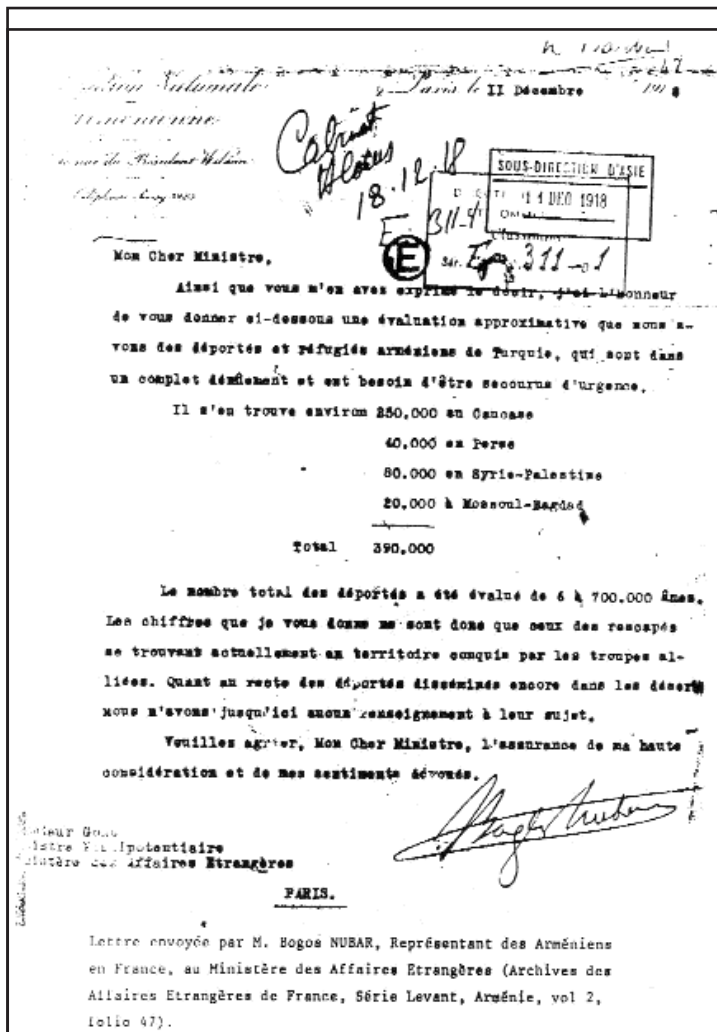
	پس از پایان جنگ فریب کاران ارمنی شیفته انعکاس "وزارت واقعیت" جورج اورئیل شده آغاز به تحریف تاریخ نمودند: "دستورهای قتل" که هیچگاه صادر نشده است، نمونه بارز سندسازی های آرام آندونیان در آن دوره است و این سندسازی را سیناسی اورل و ثربا یوجه توانسته اند در کتاب "تلگرام های طلعت پاشا، تحریف و جعل شده است" افشاء کنند.
--	--



نامه ای با تاریخ ۱۸ فوریه ۱۳۳۱ (۲ مارس سال ۱۹۱۶) را که، آرام آندونیان جعل کرده است از نظر بگذرانیم: نامه با کلمه "بسم الله" که طرز نوشتاری آن با هیچ یک از شیوه نوشتاری مسلمانان شباهتی ندارد، آغاز شده است. و اما آرام آندونیان در جعل تاریخ نامه نیز بطور نا خود آگاه مرتکب اشتباه دیگری شده است. بدین ترتیب که، آرام آندونیان به سبب نا آشنایی با قواعد تبدیل تاریخ رومی عثمانی و با ناآگاهی از ۱۳ روز تفاوت بین تاریخ رومی و میلادی (فوریه ۱۹۱۷) را یک سال عقب تر، یعنی بجای سال ۱۳۳۰ (۱۹۱۶)، سال ۱۳۳۱ در نامه گذاشته است. بگذریم از اینکه مضمون نامه برای "اثبات" اقدامات بیرون کردن طبق برنامه از پیش تعیین شده بود.... ولی، در هر صورت مرجع تاریخ رویداد را ۹ ماه (!) جعل کرده است.



پس تعداد واقعی کشته شدگان چقدر است؟ در این باره مدرک غیر قابل انکاری که، از طرف بوگوش نوبار، مسؤل دفتر مهاجرین ارمنی در پاریس، همان وقت تنظیم شده است، موجود است. به نامه وی دقت کنید:



وزیر محترم!

مفتخرم از اینکه شما، خواسته خود را اعلام نموده اید. تعداد تقریبی ارامنه که از ترکیه فرار و یا مهاجرت کرده و احتیاج مبرم به کمک دارند، بخدمت استحضار می دارم. محل اسکان و تعداد تقریبی آنها به ترتیب ذیل می باشد:

قفقاز ۲۵۰۰۰۰ نفر

پرسیا ۴۰۰۰۰ نفر

سوریه و فلسطین ۸۰۰۰۰ نفر

موصل و بغداد ۲۰۰۰۰ نفر

مجموعاً ۳۹۰۰۰۰

تعداد رانده شدگان در

حدود ۶۰۰-۷۰۰ هزار نفر ارزیابی

می شود. ارقامی که به خدمت شما

تقديم داشتم، شامل ارامنه ای است

که، زنده مانده و در اراضی

تصرفی متحدین زندگی می کنند. ما

در مورد مابقی، به لحاظ اینکه به

مناطق کویری رفته اند، اطلاعات

دقیقی نداریم.

وزیر محترم، صمیمانه ترین آرزوهای ما را بپذیرید.

جناب قووا

وزیر صلاحیتدار امور خارجه

نامه از طرف بوگوش نوبار نماینده ارامنه در فرانسه به وزارت امور خارجه ارسال شده

است. (آرشیو وزارت امور خارجه فرانسه، شعبه خاور نزدیک، ارمنستان، جلد ۲، صفحه ۴۷)

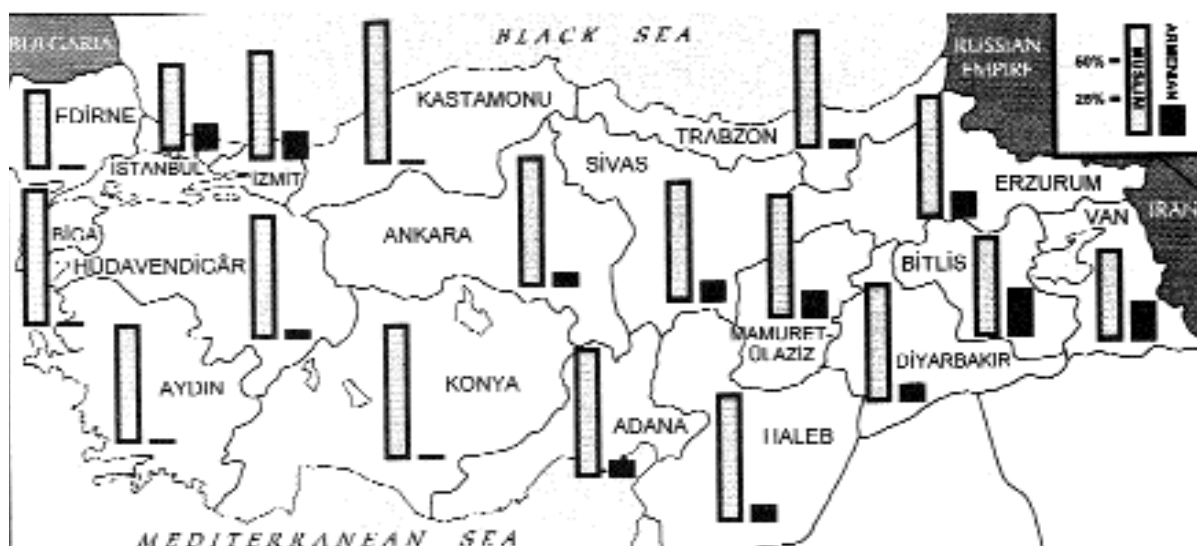
این سند بطور قطعی نشان می دهد که، در حالیکه، تعداد کشته شدگان از میان ارامنه رانده شده ۳۰۰۰۰۰ نفر بوده است، در این جنگ داخلی تعداد تلفات مسلمانان (ترکها، کرد ها و چرکس ها) شامل ۵۰۰۰۰۰ نفر می باشد. این آمار به راحتی به فراموشی سپرده می شود در این باره هیچکس نمی نویسد و حرف نمیزند بطوریکه به گفته یکی از اسقف های ارمنی، آنها ترکهایی غیر لازم بودند.

واقعیات

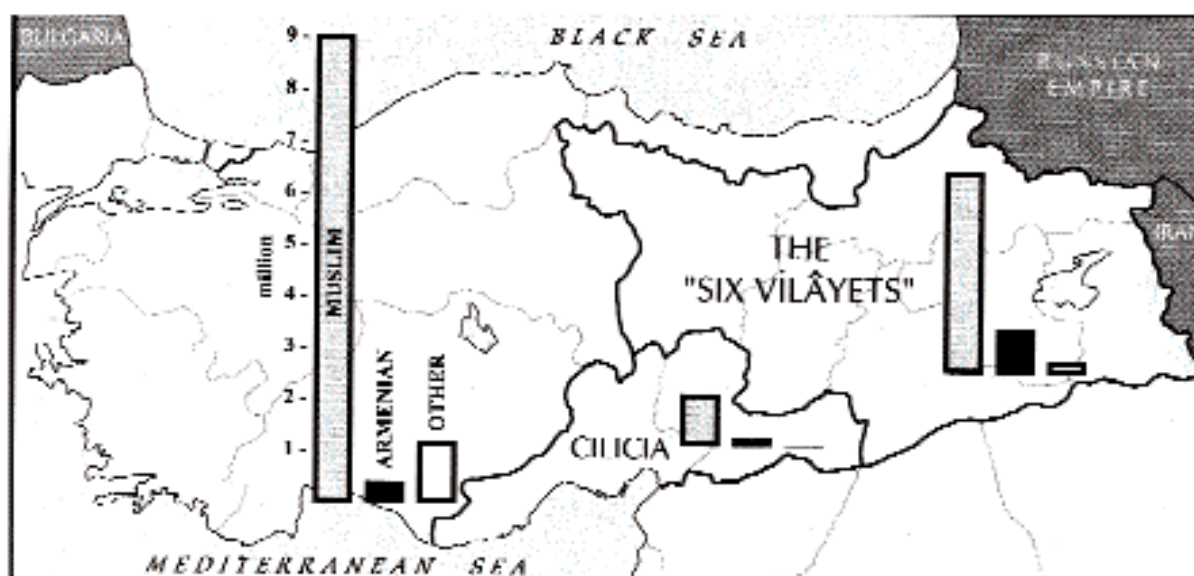
ژاستین مک کارتی پروفیسور دانشگاه لوئیس ویل (ایالات متحده آمریکا)، یکی از مشهورترین مردم شناسان جهان، اثر انکارناپذیر خود تحت عنوان «مسلمانان و اقلیت های ملی-مردم آناتولی عثمانی و سقوط امپراطوری» را منتشر نموده و در آن نتایج تحقیقات خود را طی جدولی ارائه کرده است. وی، بر بستر این نمودارها، آرزوی تشکیل کشور ارامنه پروتستان توسط بنیادگران ارمنی و تحریک کنندگان پروتستان آنها در آمریکا، در هر جای دنیا و به هر نحوی که باشد را مورد بررسی و بخودی خود در پشت علامت سؤال قرار می دهد.

جدول شماره ۲-تعداد جمعیت ارمنی در امپراطوری عثمانی.

اراضی ۱	تعداد ارامنه ۲	کل جمعیت ۳	در صد ارمنی ها ۴
اروپا			
استانبول	۱۶۲۱۳۲	۱۰۳۲۸۳۹	۸،۸%
ادیرنه	۳۳۶۵۰	۱۴۲۶۶۳۲	۲،۴%
سولونیک	۸۷	۱۳۴۷۹۱۵	*
یانی	۰	۵۶۰۸۳۵	*
موناستر	۹	۱۰۶۴۷۸۹	*
اسکودرا	۰	۳۴۹۴۵۵	*
کوزوو	۰	۱۶۰۲۹۴۹	*
الجزایر	۱۴۰	۳۵۹۴۷۴	*
آناتولی غربی			
خداوندگار	۹۷۶۱۶	۱۹۱۹۷۸۹	۵/۱%
آیدین	۲۵۰۵۹	۲۱۹۴۴۱۹	۱/۱%
ازمیت	۶۹۲۲۵	۳۸۹۴۹۰	۱۷/۸%
بقاء	۲۸۰۵	۱۸۳۰۷۷	۱/۵%
آناتولی شمالی			
کاستامونو	۱۳۷۰۲	۱۳۵۰۳۹۰	۱%
ترابزون	۶۸۳۲۶	۱۵۰۵۴۹۰	۴/۵%
آناتولی مرکزی			
سیواس	۱۸۲۹۱۲	۱۴۷۲۸۳۸	۱۲/۴%
آنکارا	۱۲۵۶۱۶	۱۴۴۴۱۳۹	۸/۷%
قونیه	۲۴۸۵۶	۱۶۹۰۳۸۸	۱/۵%
آناتولی جنوبی			
آدانا	۷۴۹۳۰	۶۶۶۵۷۸	۱۱/۲%
خابل (حلب)	۱۲۳۱۲۹	۱۱۸۹۶۷۸	۱۰/۳%
آناتولی شرقی			
بتلیس	۱۹۱۱۵۶	۶۱۱۳۹۱	۳۱/۳%
مامورت	۱۱۱۰۴۳	۶۸۰۲۴۱	۱۴/۳%
العزیز	۸۹۱۳۱	۷۵۴۴۵۱	۱۱/۸%
دیاربکر	۱۳۰۵۰۰	۵۰۹۷۹۷	۱۵/۶%
وان	۱۶۳۲۱۸	۹۷۴۱۹۶	۱۶/۸%
ارزروم			
سوریه			
سوریه	۱۷۶۸	۱۰۱۷۳۲۲	۲%
بیروت	۴۰۱۰	۹۷۹۷۰۲	۴%
جبل اللبان	۶	۲۳۵۱۶۹	*
قدس شریف	۲۳۴۰	۳۵۲۸۱۳	۷%
ذور	۲۸۳	۸۳۱۲۰	۳%
عراق			
موصل	۱۰۰	۸۵۰۰۰۰	*
بغداد	۵۰۰	۱۴۰۰۰۰۰	*
بصره	۵۰	۱۲۰۰۰۰۰	*
عربستان			
حجاز	۰	۲۵۰۰۰۰۰	*
یمن	۰	۵۰۰۰۰۰۰	*
امپراطوری	۱۶۹۸۳۰۱	۳۸۸۹۹۳۶۶	۴.۴%



نقشه امپراطوری عثمانی، بر اساس وابستگی های دینی جمعیت آناتولی با ذکر در صد ضمیمه می گردد. در امپراطوری عثمانی، مردم بر پایه وابستگی "ملی" و یا "قومی" متمایز و تفکیک نمی شدند.



مردم مسیحی امپراطوری عثمانی اساساً شامل یونانی ها و ارامنه بودند که، مک کارتی از اثر توکای آناوف (آنکارا ۲۰۰۱) تحت عنوان «ارمنی ها در دوره اتومان بعدی» طی نقشه ای جدول بندی شده نشان داده است.

نقشه آناتولی که، بسیاری آن را با عنوان نقشه "شش ولایت" (شش واحد تقسیمات کشوری-شش ولایت شرقی امپراطوری عثمانی) می نامند، مؤید این است که، تشکیل کشور ارامنه پروتستان یک رؤیای دست نا یافتنی بوده و هر چند مسئله بیرون راندن مسلمانان از پیش طراحی شده بود. این سیاست در دوران کنونی با بیرون راندن مردم از خاک خود در غرب کشور آذربایجان سیمای فاجعه آمیز خود را نشان می دهد.

باصطلاح "شش ولایت" که، ارامنه در آنها اسکان داده شده اند، عبارت استنداری است که از طرف دواپر ذینفع در تشنجات، ترور ها و جنگها جعل شده است. مک کارتی در این مورد نیز توانسته است با افشای سمت و سوی سازمان یافته تحریف جعل اسامی و عناوین، اشتباهی را که در رابطه با کلمه "ارمنستان" روی داده است آشکار و روشن نماید. مثلاً: ارمنستان-مثل آمریکا، یک مفهوم جغرافیایی است. برزلی ها، مایاها و اسکیموها همچون دیگر آمریکائیان تبعه ایالات متحده آمریکا هستند. این موضوع در مورد ترک ها، کردها، گرجی ها و دیگر قبایل و طوایف کوچک، از جمله در مورد "هایک های" ساکن ارمنستان نیز صدق می کند. (ارامنه خود را با نام هایک می نامند و جمهوری واقع در شرق آناتولی هایستان نامیده می شود).

نمونه کلاسیک حقه بازی در مورد جمعیت "شش ولایت": نمایندگان ارمنی ها آمار تنظیمی اسقف اعظم ارامنه را پس از جنگ جهانی اول در پاریس به دولتهای آتانت تقدیم کرده اند. طبق این آمار، ۱۰۱۸۰۰۰ هایک و ۱۶۵۰۰۰ مسیحی دیگر در مقابل مجموعاً ۱۴۳۲۰۰۰ مسلمان که تنها ۶۶۶۰۰۰ نفر از آنها ترک و بقیه شامل چرکس ها، لازها، نوماد کرد و کردهای میانه و غیره میباشد، قرار داده می شود که، این خود سرپای سند را به افترا تبدیل می کند. جمعیت امپراطوری عثمانی هیچگاه برپایه وابستگی و تعلقات دینی شان، بطوریکه فوقاً اشاره شد، سر شماری نشده و تعلقات دینی آنها در جایی ثبت نشده است.

طبق آمار امپراطوری عثمانی، ۱۹ در صد جمعیت یعنی ۷۸۴۹۱۷ نفر ارمنی، ۱۷۶۸۴۵ نفر یعنی ۴ در صد مسیحیان دیگر و ۳۱۷۳۹۱۸ نفر (۷۷٪) مسلمان بوده اند.

جدول شماره ۵. تعداد جمعیت زنده ارمنی

تعداد	تعداد مهاجران زنده ارمنی	تعداد	تعداد مهاجران زنده ارمنی
۱۰۰۰۰۰	سوریه	۴۰۰۰۰۰	اتحاد جماهیر شوروی
۵۰۰۰۰	لبنان	۴۵۰۰۰	سوسیالیستی
۲۵۰۰۰	عراق	۳۰۰۰۰	یونان
۱۰۰۰۰	فلسطین / اردن	۲۰۰۰۰	فرانسه
۴۰۰۰۰	مصر	۲۵۰۰	بلغارستان
۵۰۰۰۰	ایران	۲۰۰۰	قبرس
۱۰۰۰۰	مناطق دیگر	۳۵۳۸۰	دیگر کشورهای اروپایی
			آمریکای شمالی
	جمع کل مهاجرین	۸۱۰۰۰۰ نفر	
	باقی مانده در ترکیه	۷۰۰۰۰ نفر	
	جمع	۸۸۰۰۰۰ نفر	
* اطریش، چکسلواکی، مجارستان، یوگوسلاوی، سوئد، ایتالیا، بریتانیای کبیر. + ژاپن، چین، هندوستان، آمریکای لاتین. (منبع: مک کارتی، مسلمانان و اقلیت های ملی-جمعیت آناتولی عثمانی و سقوط امپراطوری.)			

امروزه در پشت "پرده جنگ افروزیهای" سال ۱۹۱۵ ارامنه، جنگ تبلیغاتی ارامنه علیه ترکیه و آذربایجان و نتایج فاجعه بار جنگ اشغالگرانه ای که در سال ۱۹۸۹ بر علیه آذربایجان آغاز کرده اند، پنهان شده است.

مناطق اشغال شده آذربایجان از طرف ارمنی ها منطقه قره باغ کوهستانی

مساحت	۴۳۸۸ کیلومتر مربع
جمعیت	۱۸۹۰۸۵ نفر
ارمنی ها	(۹/۷۶ در صد) ۱۴۵۴۵۰ نفر
آذربایجانی ها	(۵/۲۱ در صد) ۴۰۶۸۸ نفر
روسها	(یک در صد) ۱۹۲۲ نفر
و غیره	(۶/۰ در صد) ۱۰۲۵ نفر

THE RESULTS OF ARMENIAN AGGRESSION



ولایت (شهرستان) شوشا

۲۸۹ کیلومتر مربع	مساحت
۲۰۵۷۹ نفر	جمعیت
۱۹۰۳۶ نفر (۹۲/۵ درصد)	آذربایجانی
۱۳۷۷ نفر (۶/۷)	ارمنی
۸ ماه مه سال ۱۹۹۲	تاریخ اشغال

مناطق همجوار قره باغ کوهستانی

نام شهرستان	تاریخ اشغال	جمعیت
لاچین	۱۸ ماه مه سال ۱۹۹۲	۷۱۰۰۰ نفر
کلیجر	۲ آوریل سال ۱۹۹۳	۷۴۰۰۰ نفر
آغدام	۲۳ ژوئیه سال ۱۹۹۳	۱۶۵۶۰۰ نفر
فضولی	۲۳ ژوئیه سال ۱۹۹۳	۱۴۶۰۰۰ نفر
جبرائیل	۲۶ اوت سال ۱۹۹۳	۶۶۰۰۰ نفر
قبادلو	۳۱ اوت سال ۱۹۹۳	۳۷۹۰۰ نفر
زنگلان	۲۸ اکتبر سال ۱۹۹۳	۳۹۵۰۰ نفر

تعداد قربانیان تجاوزگری ارمنه

۲۰۰۰۰ نفر	کشته شدگان
۵۰۰۰۰ نفر	زخمی ها
۴۸۶۶ نفر	مفقودین

میزان خرابی و زیانهای وارده

۸۹۰	تعداد مناطق مسکونی
۱۵۰۰۰۰	خانه
۷۰۰۰	اماکن اجتماعی
۶۹۳	مدارس
۸۵۵	مهد کودک
۶۹۵	بیمارستان و مراکز درمانی
۹۲۷	کتابخانه
۴۴	عبادتگاه (وابسته به ادیان مختلف)
۹	مساجد
۹	اماکن تاریخی
۴۶۴	موزه و آیینیه تاریخی
۴۰۰۰۰	آثار موجود موزه ها
۶۰۰۰	مؤسسات تولیدی صنعتی و روستایی
۸۰۰ کیلومتر	خیابان
۱۶۰	پل
۲۳۰۰ کیلومتر	سیستم خطوط آبرسانی
۲۰۰۰ کیلومتر	خطوط انتقال گاز
۱۵۰۰۰ کیلومتر	خطوط انتقال برق
۲۸۰۰۰۰ هکتار	جنگل
۱۰۰۰۰۰۰ هکتار	مزارع
۱۲۰۰ کیلومتر	تجهیزات تأمین آب

جمع کل ضرر و زیان های وارده شامل ۶۰ میلیارد دلار آمریکاست.

تخریب مجسمه و یادبودهای شعرا و آهنگسازان آذربایجان که در هنگام حملات متقابل برخورد میگردد منظره وحشتناکی به خود گرفته اند. سروصورت مجسمه ها چنان تخریب شده است که، گویا سربازان اشغالگران هر آنچه را که، خاص سیمای واقعی مناطق اشغالی بوده است، پاک و نابود کرده اند.

مقصد فقط اخراج اهالی از سرزمینهای اجدادی خود نبوده است. تخریب و ویرانی های شهر کوچک خوجالوی آذربایجان و قتل عام مردم بیگناه و بی دفاع آن را فقط می توان با قساوت و بی رحمی های دوره هیتلر و موسولینی که تا کنون جهانیان با انزجار و تنفر از آن یاد می کنند، مقایسه کرد.





قبادلو شهر دیگر واقع در جنوب آذربایجان و نزدیک به نخجوان که توسط ارامنه اشغال شده و از طریق ماهواره فیلم برداری شده است، دیده میشود. در اینجا تأسیسات عظیم، تانکها و پایگاه هوایی به روشنی دیده می شود. در ماه مارس سال ۲۰۰۵ هئیت نمایندگی اتحادیه اروپا منظره وحشتناک روستاها، مناطق مسکونی و دیگر اماکن تخلیه شده آذربایجان را که ارامنه تخریب و ویران کرده اند، به چشم خود مشاهده کردند. اصل مسئله این است که، نشانی از آذربایجان و آذربایجانی دارد، از بیخ و بن نابود می کنند. به دیگر سخن، در اینجا آثار این جنگ غاصبانه را هم به معنی واقعی و هم به معنی مجازی کلمه از روی زمین پاک می کنند.

آذربایجان هزاران قربانی تهاجم ارامنه تحت حمایت روسیه در سال ۱۹۰۵ را پس از گذشت یک صد سال که، بمنظور دستیابی به منابع نفتی آذربایجان آغاز شد، بیاد دارد. عکسهای کشتارهای آن سال که، حتی موجب ناراحتی روسیه شده و خود روسها بدان پایان دادند، نشاندهنده مقیاس تجاوزات ارامنه می باشد.



در عکس دیگر تجهیزات اشغالگران مشاهده می شود. در این عکس کاروان طولی و بی پایان ماشین های باری حامل اسلحه و مهمات، نیروهای متجاوز و مردم ارمنی برای استقرار و اسکان در مناطق اشغال شده آذربایجان، دیده می شود.

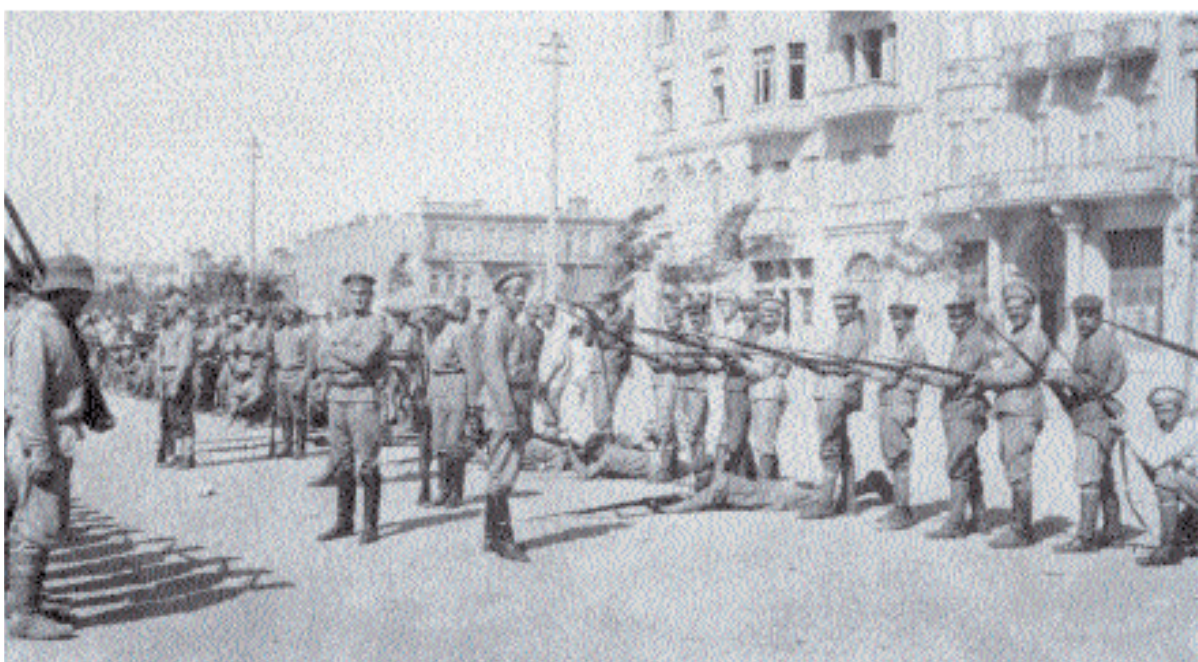


پس از آن، عکس وحشی گری های ارامنه در سال ۱۹۰۵ در شهر شوشا دیده می شود که این نقطه اوج تجاوزگری بود.



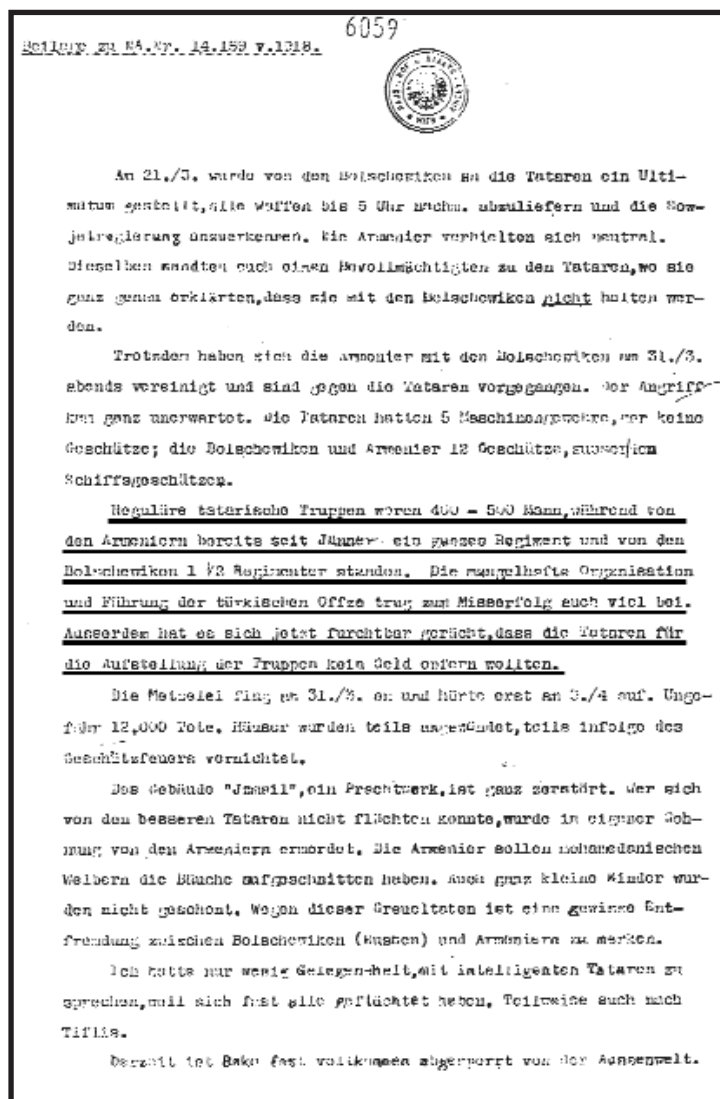
حوادث سال ۱۹۰۵ آغاز سعی و تلاش برای اشغال تمام آذربایجان بود. عکسهای ویرانگری های سال ۱۹۱۸ ارامنه در باکو، این هدف ارمنی هارا تأیید می کند.

ماه مارس سال ۱۹۱۸، تمام حوادث گذشته، از نو، در مقیاس باز هم گسترده تری تکرار شد. نیرو های ارمنی وارد باکو شدند و همچون صاحبان جدید شهر در اینجا ماندند. در نتیجه این حملات اشغالگرانه ارمنیها، ۲۰۰۰۰ نفر از مردم آذربایجان جان خود را از دست دادند، و اهالی محلی از مساکن خود رانده شدند.



گزارش فاجعه بار گراف تراوت مانسدورف، عضو حکومت اطریش-مجار در امپراطوری عثمانی در باره حوادث سال ۱۹۱۸ آذربایجان قابل تعمق است. (آن وقتها، آذربایجانی ها را "تاتار" می نامیدند. این مفهوم به صورت تصنعی به منظور تحقیر و پست شمردن مردم بکار برده می شد. زیرا، صرفنظر از تمدن عالی و خود ویژه گیهای "تاتار، این ملت که چند قرن در برابر روسها مقاومت کرده بودند، آنها را ملت پست و درجه دوم حساب می کردند).

در اسناد آرشیو دولتی وین گفته می شود.

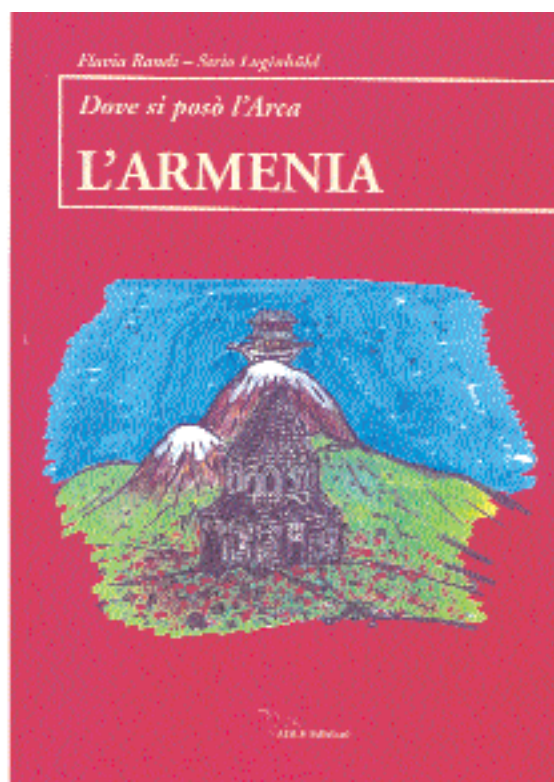


بلشویک ها اعلام میکنند که، ما موظفیم که، تا ساعت ۵ بعد از ظهر ۲۱ ماه مارس به تاتارها برای تحویل دادن سلاحهایشان و تبعیت از دولت شوروی مهلت بدهیم. ارامنه اعلام بیطرفی نمودند. آنها نمایندگان خود را به پیش تاتارها فرستاده و بصورت کاملاً دقیقی اعلام کردند که، قصد سازش با بلشویکها را ندارند.

صرفنظر از این موضع گیری، عصر روز ۳۱ ماه مارس به بلشویکها پیوسته و بر علیه تاتارها برخاستند. حمله ای کاملاً غیرمنتظره آغاز شد. تاتارها پنج مسلسل داشتند و فاقد هر گونه توپخانه بودند. بلشویکها و ارامنه علاوه بر توپخانه مستقر در کشتیها، ۱۲ توپ دیگر هم داشتند. در حالیکه نیروی نظامی تاتارها شامل ۴۰۰-۵۰۰ نفر بود، ارامنه از ماه ژانویه یک هنگ کامل داشتند، یک و نیم هنگ هم در اختیار بلشویکها بود. عدم

سازماندهی و مدیریت نادرست افسران ترک، باعث شکست آنان گردید. علاوه بر این شایعاتی پراکنده شد که تاتارها برای سازماندهی دستجات نظامی نمیخواهند اعانه جمع آوری کنند. روز ۳۱ ماه مارس کشتار آغاز و در روز سوم ماه آوریل پایان یافت. حدود ۱۲۰۰۰ نفر کشته شدند. بخشی از خانه ها سوخت و یاوران شد. بنای تاریخی "اسماعیلیه" از شاهکارهای آثار معماری کاملاً ویران گردید. آنهایی که، نتوانستند فرار کنند، در خانه های خود بدست ارامنه کشته شدند. ارمنی ها شکم زنان مسلمان را پاره می کردند، به کودکان خرد سال هم رحم نمی کردند، وقوع این جنایات فجیع تا حدودی موجب "سردی" روابط بلشویکها (روسها) و ارامنه گردید. فرصت بسیار کوتاهی برای صحبت با نماینده تاتارها برایم دست داد، زیرا مردم زیادی با فرار (تعدادی به تفلیس) جان خود را نجات دادند. در چنین شرایطی می توان گفت که، باکو از تمام جهان تجرید شده بود.

تجاوز ارمنی- مفهوم ایده دولت است. برای درک این مفهوم، توجه به آرم این جمهوری
 اعجوبه که موجودیت خود را در جنگ، ترور، اشغالگری و دروغ می بیند کافی است.
 نام کوه آرارات از نظر زیانشناسی و تاریخی هیچ ربطی به ارمنستان ندارد و برخی ها
 آن را محل به گل نشستن کشتی نوح می نامند. اکنون، وقت آن نیست که به این ادعای
 ارامنه که هیچ ارتباطی با واقعیت نداشته و از سر تا پا چرندیات و مزخرفات می باشد،
 پرداخت و هم اینکه بی مورد است. اما اینکه، ارامنه خود را وارثان نوح نبی می دانند و
 همین مسئله باعث سیاسی و تهاجمی شدن موضوع می گردد: زیرا در صورت تأیید شدن
 این امر، همین امتیازات شامل نه تنها هایک ها بلکه همگان می گردد.



علاوه بر همه این مسائل، کوه آرارات در خاک ترکیه واقع است. مثلاً اگر لهستانی ها
 در آرم دولتی خود تصویر درهای براندنبورگ را و یا آلمانی سالن بوندشتاگ را با عکس برج
 ایفل فرانسه می آراست و یا عکس پل تاور روی پرچم فرانسه نقش می بست، آلمانی ها،
 فرانسوی ها و انگلیسی ها این موضوع را چگونه ارزیابی می کردند و چه عکس العملی
 نشان می دادند؟ این امر قابل درک نیست. آیا اینطور نیست؟ امروز عکس کوه آرارات و
 تصویر کشتی نوح موقتاً هم شده، جای داس و چکش را گرفته است.



در اینجا سؤالی مطرح می شود که پاسخ آن به عهده وجدانهای آگاه واگذار می شود. برخی سیاستمداران که در واقعیت امر هیچ درکی از حوادث سال ۱۹۱۵ ندارند، با آب و تاب پیرامون آن صحبت می کنند ولی هیچ کس از کشتار صدها هزار آلمانیان سودت در سال ۱۹۴۶، پس از پایان جنگ جهانی دوم و آواره کردن ۳ میلیون نفر دیگر، حرفی نمی زند.



جواب این مسئله، بسیار ساده است. محافل معینی مخالف پذیرش ترکیه به عضویت جامعه وحدت اروپا هستند و به منظور نیل به اهداف خویش به هر وسیله ای دست میزنند و در عین حال خود آنها مثل اینکه هیچ اتفاقی نیافتاده است، براحتی منشور بنش را بی اهمیت شمرده و زیر پا می گذرانند.

موضوع این است که، ترکیه خواهان عضویت در جامعه وحدت اروپاست و یا به عبارتی دیگر، مجبور به عضویت در آن است که، این مسئله کاملاً دیگری است. در اینجا صحبت بر سر دورویی و یا نا آگاهی از اصل واقعیت حوادث سال ۱۹۱۵ دروغ پردازی پیرامون آن و در نتیجه مهم نمودن آنکارا از سوی "وکیلان دوروی" مردم مسیحی میباشد. اما، آنها در باره تجاوزات مداوم ارامنه بر علیه آذربایجان که تا امروز نیز ادامه دارد، کلمه ای هم بر زبان نمی آورند. نتیجه این تجاوز، اینک، در حال حاضر یک میلیون جنگ زده و دهها هزار کشته جلو چشم ماست.



و اما ترکیه! ترکیه در سالهای جنگ جهانی دوم علیرغم آنکه در محاصره کامل بوده و از طرف آلمان مورد تهدید واقع شده بود، دهها هزار جنگ زده، از آن جمله ارنست رویترا را پذیرفت و هیچ کس را از کشور بیرون نکرد که در مقابل آن همه، بجای تشکر و قدردانی، این همه اتهام و تهمت به این کشور می زنند.

۲۰ ژوئن سال ۱۹۸۴ اردوغان اوزن (۱۹۵۰!)، دیپلمات دوست داشتی، صادق به خانواده و کار خود، مسئول حفاظت و امنیت کارگران مهاجر ترک را که دهها سال پس از حوادث سال ۱۹۱۵ به دنیا آمده بود، تروریستهای ارمنی در مقابل سفارت ترکیه در وین به قتل رساندند. اردوغان اوزن دوست من بود. از آن هنگام تمام آرزویم تحقق این واقعیت تاریخی، یعنی برقرار صلح می باشد.



تحول قطعی! مقاومت ترکها و آذربایجانی ها بر علیه تبلیغات، تجاوزات و دروغ پراکنی های ارامنه شکل می گیرد:



دوم آوریل سال ۲۰۰۵، در مقابل سفارت جمهوری هایستان در وین، بمناسبت سالگرد
قتل عام آذربایجانیها تظاهراتی برگزار شد.

- واقعیت حوادث سال ۱۹۱۵: این یک جنگ داخلی مکارانه بود!
- واقعیت پیرامون رویدادهای موسی داغی (کوه موسی) و فرانس ورفل گول خورده.
- واقعیات کشتار ترک ها و آذربایجانیها به دست ارامنه.
- واقعیات اشغالگری آبروباخته ارمنی ها بر علیه آذربایجان.
- واقعیات جنگ روانی و فیزیکی ارامنه بر علیه ترک ها.

بیانیه رئیس جمهور ایالات متّحده آمریکا، دفتر سخنگوی مطبوعاتی، ۲۴ آوریل ۲۰۰۵ " ما بعد از
این نیز جستجوی راه حل مسالمت آمیز و معتبر مناقشه قره باغ را به عهده خود می گیریم... من تلاش
و فعالیت همه کسانی را که در راه دستیابی به صلح و سازش، تحمل و بردباری کار می کنند، گرامی
می دارم..."

اعمال فشار باندهای مافیایی ارامنه ایالات متحده آمریکا بر رئیس جمهور آن کشور برای قبول
کلمه "قتل عام" بی نتیجه ماند. در مقابل، نتیجه بر عکس داد و تحول قطعی آغاز شد.